



موسیقی: جه

وام گیری، غارت، جذب و دادوستد فرهنگی همواره تمدنها را از لحاظ فرهنگی غنا بخشیده است. آهنگ انتشار وسایل دیداری- شنیداری و چندگونی وسایل ارتباطی مشترک میان چند قاره موجب تشدید مبادلات فرهنگی با آهنگی سرسام آور شده است. در این میان موسیقی که مانع زبان را پشت سر می نهد و پسر دلها نشاط می بخشد یکی از ممتازترین وجوه این مبادلات به شمار می رود.

محققاً یکی از بزرگترین جریانهای تلقینی در موسیقی جهان در قرن هشتم آغاز شد. در این دوران، موسیقی هند، از یک سو به آسیای مرکزی، ایران و افغانستان و از سوی دیگر به ترکیه و خاورمیانه نفوذ یافت. نفوذ موسیقی هندی در خاورمیانه در موسیقی عربی تأثیر نهاد و این یک به نوبه خود در شمال آفریقا نشر یافت و از آنجا به اسپانیا راه گشود و به پیدایش موسیقی فلانکو در آن دیار منجر گشت. اعراب اخراجی از اسپانیا در قرون بعد این موسیقی را به شمال آفریقا باز آوردند و موسیقی «اندلسی» را در آن منطقه خلق کردند.

اما تا وقتی که تجارت برده و استعمار نظام حاکم بر جهان موسیقی را زیر و رو نکرده بود، سنن موسیقی به قبیله، روستا و منطقه محدود ماند و مسانند لهجه‌ها، خوراکیها و چشامها در هر منطقه متفاوت بود.

به طور کلی باید گفت که موسیقی از اعصار دور کارکردهای اجتماعی و آیین معینی را دارا بوده است. در بعضی از فرهنگها، موسیقی در انحصار گروههای اجتماعی خاصی بوده است. در آفریقای غربی، در نزد اقوام وولوف و مالینکه، گریوتها یگانه کسانی بودند که نسل آئین نسل موسیقی، سنن شفاهی و سلسله انساب شاهان را در انحصار خود داشتند. آنان حتی ملزم بودند همسران خود را از میان زنان گروه خویش برگزینند.

امروزه نیز گریوت‌های جوان بسیاری در چهارچوبهای مدرن پدید آمده‌اند که از سازهای نظیر گیتار الکتریک و ساکسوفون استفاده می کنند. در سنگال، تحت تأثیر موسیقی پاپ و با استفاده از ریتمهای سنتی، سبک جدیدی در موسیقی به نام امبالاکی ابداع گشته است.

در زامبیا، بعضی از سازها هنوز هم به حرفه‌های خاص اختصاص دارد. مثلاً بیوا را خنیاگران تابنا و شامسین را گیشاها می نوازند. در عین حال مردم زامبیا بسا شور و شغف بسیار از موسیقی غربی، به ویژه ترانه‌های مردمیستد استقبال می کنند. وقتی در آغاز قرن شانزدهم پرتغالیها و کسی بسعد سایر اروپاییان در آفریقا استقرار یافتند و کشتیهایی کنتورهای استعمارگر هزاران هزار برده آفریقایی را به سواحل آمریکا بردند نوع کاملاً جدیدی از موسیقی به نام موسیقی وکربول زاده شد. این موسیقی نخست در کبورد، موزامبیک و آنگولا تحت تأثیر موسیقی پرتغالی رشد یافت و سپس اشکال آفریقایی - کوبایی، آفریقایی - برزیلی، کارائیبی، آفریقایی - آمریکایی آن



تال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سان تلفیق

پیشہ یافتہ محققان و اعلیٰ دستہ کے طلبہ اور محققین کی زیر
اہمیت و کامیابی، ہم نے اس کتاب کو تیار کیا ہے۔ اس کتاب کی
تیار کیا ہے اور اس کی تیار کیا ہے۔ اس کتاب کی تیار کیا ہے
اس کتاب کی تیار کیا ہے اور اس کی تیار کیا ہے۔ اس کتاب کی
تیار کیا ہے اور اس کی تیار کیا ہے۔ اس کتاب کی تیار کیا ہے



پیشہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پدید آمد. سازهای نیز که منشأ آفریقایی داشتند، نظیر بونگو، کونگا، تمبال، کلاو، و مساراکا در کنسوا رواج یافت و انواع موسیقیهای جدید نظیر، سون، سون متونو، بولرو، گساراجا و رومبا پدیدار شدند.

تانگو و چاچا

از دهه بیست جاز که از تلاقی موسیقی آفریقایی - آمریکایی با موسیقی اروپایی پدید آمده بود و با هنر نو و مدرنیسم در آمیخته بود نقطه آزادی را در آمریکا و اروپا میدید. جاز استیک سیاه خود را به فرهنگ سفید تحمیل کرد و یکی از مهمترین جریانهای موسیقی مردمسند قرن بیستم و الهامبخش آهنگسازی نظیر گرشوین و دیوسی یا نقاشانی چون ماتیس و موندریان شد. تانگو حاصل پیوند زینتهای پاتو و اکسپرسیونیسم آرنشتمین بود. در دهه سی رومبا، در دهه چهل سامبو و در دهه پنجاه چاچا و راک اند رول، که از موسیقی غرب و آفریقا منسجم شدند، در سراسر جهان انتشار یافتند.

بی آنکه به نفع اهمیت سایر دستاوردهای فرهنگی بپردازیم، باید اعتراف کنیم که امروزه موسیقی سیاهان مسخرج مشترک مردمسنترترین نوع موسیقی است. فونک، دیسکو، سول، رپ، راک، رگای - سامبا، بوسا نوا، سوکا، آفریبت، جوجو، های- لایف و ژوک همگی به درجات مختلف ریشه در خاک آفریقا دارند. در فرانسه ژورژ موسساک، کلودتوگارو، برنار لاپیه با

در باره آن گفته است: «توسعه اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی باعث تکثیر سبکهای جدید، سازها، نشانهها و خلاصه اسجد قلمرو موسیقایی کاملاً جدیدی شده است که خواستارانش تا به حال بسیار بیشتر از هواخواهان هنرهای دیگر بوده اند. راک که نوازندگان آفریقایی - آمریکایی نظیر چاک بری و بویدیلر آن را ساختند و الویس بریسلی و سایر خوانندگان سفیدپوست آن را رونق دادند برای جوانان سراسر جهان سبب عصیان و اعتراض شد. راک روح سازش طلی آمریکاییان را در دهه پنجاه پس راند و جامه های جدیدی نظیر نیم تنه چرمی و جین را باب کرده و انقلابی واقعی در آداب و رسوم جامعه پدید آورد.

علاقه شدید به موسیقیهای آسیایی و بخصوص هندی در اوج دوران هیپی گری در دهه ۱۹۶۰ به پیدایش فرمهای تقاطعی جدیدی در موسیقی منجر شد. مایلز دیویس و جسان کاسترین شیوه های ملهم از شرق را در جاز باب کردند و بسینها بسیار هندی را وارد قلمرو موسیقی پاپ کردند. اما این شیفتگی سطحی به موسیقی غیر اروپایی به غنای موسیقیهای که ساختار محکم و هویت راستینی داشتند کمکی نکرد. همان طور که در گذشته نیز استفاده از موسیقی کلاسیک در جاز با شکست مواجه شده بود. در دهه بعد رشد صنعت ضبط موسیقی موجب شد که گرایش به تلفات موسیقیهای مختلف تقویت شود. در این دوره اصطلاح «فوزیون» (اختلاط) ابداع شد. این اصطلاح مسین بعضی از انواع موسیقی های تقاطعی بود که به طور تصنعی ساخته شده بود و مبنای آنها را غالباً جاز تشکیل می داد و در آن از سین تیزور برای تولید صدای بکخواهی استفاده می شد که هویت فرهنگی خاصی نداشت و می توانست مخاطبان زیادی



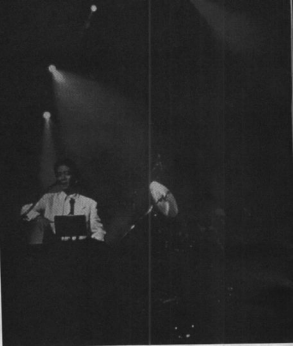
تجمعه موسیقیدان هندی، در حال نواختن ارگ سنتی و قابل صل هند. هنگام کنسرت در پاریس (۱۹۹۰).

شور و شوق به کاوش در ریم موسیقی سیاهان برزیل پرداختند. نانا موسکوری آوازهای انجیل را وارد فهرست آوازهای خود کرده است. در ایالات متحده، پل سامین برای تهیه آخرین آلبوم صفحات خود از نوازندگان کامرون و باها مند گرفت. در زاین، رویو ساکاموتو از نوازنده سنگالی، یوسوندور دعوت به همکاری کرد تا کمی گرما به نوای خشک سازبندی زاپینی خود بدمد.

پس از جنگ جهانی دوم، صفحه سی و سه دور LP به بازار عرضه شد و تلویزیون در دسترس عموم قرار گرفت. این دو عامل موجب سلطه موسیقی پاپ شد که موسیقی شناس آمریکایی، پیتر مانولک آن را مهمترین حادثه موسیقی قرن بیستم دانسته و

شیوه بیانی خاصی هستند که بتواند با واقعیت زندگیشان وفق یابد.

مسئلاً این گرایش جدید به «موسیقی جهانی» خطر نوعی امپریالیسم موسیقایی را در بر دارد، ولی همه وسوسه از تسایل پرشوری حکایت می‌کند که بشر امروزه برای توسعه زمینه‌های فرهنگی خود و فراتر رفتن از ایدئولوژیها و سرزها در خود احساس می‌کند. وانگهی این گرایش با شکوفا شدن موسیقیهای اقوام مختلف سراسر جهان و توجه فزاینده موسیقی شناسان و پژوهشگران به موسیقی غیر غربی ختمی می‌شود. فستیوالهای متعدد موسیقیهای تلفیقی در لیل، آنگولم، پالاروشل، سمینارهای



بالا، یوسوندور سنگالی با ساکاموتوی ژاپنی. چپ، گریوت ماندهینگوی، موری کاتنه (۱۹۸۶).

داشته باشد. آثار نوازندهٔ ساکسفون، استلی تریتنین یا گروه دکروسمیدرز (حلیبون) که نام قبلی خود دجاز کروسمیدرز را به عمد رها کرده بود، از نمونه‌های برجستهٔ این گرایش است. بیشتر موسیقیدانان جاز بر آنند که این «فوزیون» در واقع چیزی جز «کونفوزیون» (اغتاش) نیست و حاصل کنار هم نهادن بی‌حساب و کتاب موسیقیهای مختلف است و منجر به از میان رفتن اصالت موسیقیهای متمایز در فرایند امتزاج می‌شود.

موسیقیدانانی که از فرهنگهای دیگر الهام گرفتند

به این ترتیب در دنیای کلاسیک موسیقی که به بخشهای جیداز هم تقسیم می‌شد سرزها به روی یکدیگر گشوده شدند و رویتند پرهیجانی از تأثیر بخشی و تأثیرپذیری میان شرق و غرب و افریقا آغاز گشت. استیو رایش از تیورهای غنا و فیلیپ گلاس از بولی فونی پیگمهای الهام گرفتند چند آهنگساز آسیایی آثاری خلق کردند که از استیک آسیا و غرب هر دو، ملهم بود.

تشدید آهنگ ترکیب موسیقیهای مختلف به چند عامل تاریخی و اجتماعی نظیر گسترش شهرتشنی، استعمارزدایی و مهاجرت مربوط می‌شود. این عوامل به مهاجرهای وسیع و ترکیب فرهنگها منتهی گشته است. در شهرهای بزرگ سراسر جهان گروههای زیادی جدید با هویت ناهمگون تشکیل شده است. نظیر پورتوریکویها یا کویابیهای نیویورک. جامائیکاییهای لندن، چیکانوهایی کالیفرنیا، نیومکزیکو یا نگراس، نسل دوم اعراب و افریقاییهای ساکن پاریس. اینان که در معرض تأثیرات موسیقایی چندگانهٔ محیط اند در تلاش یافتن

نیو اسکول در نیویورک و شور و شوق نوجوانان توکیو برای ریشه‌های افریقایی و امریکای لاتینی، تعدد گروهها در فهرست برنامه‌های مختلف، مرکب از نوازندگانی با اصلتهای گوناگون (کلام یا اولترامارین در پاریس) حاکی از قدرت فوق‌العادهٔ این جریان تلفیقی است.

در مراکز بزرگ شهری موسیقی را که، جاز، راب، پساپ هجانات این جوانان را مقبلور می‌سازد که اغلب در میان ارزشهای متضاد سرگردان‌اند. این موسیقیا احساس راحتی‌بخش تلقی به جامعهٔ بین‌المللی را در آنان ایجاد می‌کند و احساس هویتی جهانی به آنان می‌دهد که در آن اجداد به آنتی رسیده‌اند و تنشها آرام گرفته است.

آیا می‌توان امیدوار بود که نزدیکی موسیقیهای جهانی که بازناب نیاز عمیق به ایجاد ارتباط و تفاهم است سرانجام ما را به اوماننسیس بزرگتر و غنای جمعی بیشتر راهبر گردد و از آن طریق هر فرهنگی هر روز بیشتر پذیرای فرهنگهای دیگر شود و در عین حال با قدرتی فزاینده اصالت خاص خود را جلوه‌گر سازد؟

ترجمهٔ ناعبد فروغان